



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2024.89682.1307>

پژوهشی

نقشه‌راه دیپلماسی آب رودخانه‌های فرامرزی؛ از وضع موجود تا موقعیت مطلوب

سمیرا چناری (دانشجو دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

Chenari_samira@ut.ac.ir

هادی اعظمی (دانشیار گروه آموزشی جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)

aazami@um.ac.ir

محسن جانپرو (دانشیار گروه آموزشی جغرافیای سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران)

janparvar@um.ac.ir

عیسی ابراهیم‌زاده (استاد تمام جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشکده جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ایران)

iazh@gep.usb.ac.ir

چکیده

مسائل مرتبط با منابع آب فرامرزی یک چالش سیاسی-اجتماعی و در نهایت زیست‌محیطی محسوب می‌شود، زیرا دسترسی به آب شیرین و مدیریت بهینه آن می‌تواند به عنوان یک ابزار قدرت در روابط بین کشورهای مختلف و درون جوامع عمل نماید. دیپلماسی آب به عنوان یک فرایند می‌تواند برای رفع تنش‌های مرتبط با آب و تسهیل همکاری میان کشورها دارای منابع آب مشترک عمل نماید. اما این مفهوم جدید و نوظهور برای ارائه یک فرایند از پشته‌های نظری و علمی کافی برخوردار نیست. به همین جهت در این مقاله با بسط مفهومی دیپلماسی آب تلاش شد گام به گام مسیرهای دیپلماسی آب برای زمینه‌های مختلف و اقدامات دیپلماسی آب مرتبط به عملکرد در نهایت به صورت نقشه‌راه دیپلماسی آب ارائه شود. برای این منظور ابتدا رویکردهای موجود در دیپلماسی آب با روش توصیفی-تحلیلی مورد بحث قرار گرفت و با یافتن مولفه‌های قانونی در دیپلماسی آب شامل بازیگران، منافع، قدرت و اهداف، نقشه‌راه دیپلماسی آب مبتنی بر مزایای رویکردها ارائه شد. این نقشه‌راه دیپلماسی آب با طراحی راهکارها و چارچوب‌های راهبردی در دیپلماسی آب فرایندی از انتقال شرایط موجود به مطلوب را ارائه می‌دهد که به تنظیم روابط میان کشورها و نهادهای مختلف کمک می‌کند و از طریق آن به ایجاد همکاری‌ها، توافق‌ها و گفت‌وگوهای مؤثر میان کشورها و پایداری در زمینه‌ی آب منجر خواهند شد.

کلیدواژه: دیپلماسی آب، رودخانه‌های فرامرزی، نقشه‌راه

مسلماً آب حیاتی‌ترین منبع طبیعی برای بقای بشریت است و مقابله با افزایش کمبود این منبع طبیعی از چالش‌های پایداری زمان ماست (Nouri Esfandiari, 2015: 13)؛ خصوصاً زمانی که این منبع طبیعی از مرزهای کشور بصورت غیرقابل اندازه‌گیری عبور کند که این امر استفاده و تخصیص آنرا غالباً سیاسی می‌کند و منجر به ایجاد ترتیباتی از همکاری و تنش‌ها در حوضه رودخانه‌های مشترک می‌شوند (Papoli Yazdi & Vosuoghi, 2011: 54). به گفته‌ی اسلام و سی.رپلا امروزه ما با مجموعه‌ای باورنکردنی پیچیده از مسائل مرتبط با آب‌هایی روبرو هستیم که از مرزهای متعدد عبور می‌کنند؛ که آیا آب یک دارایی است یا یک حق بشر؟ (Islam & Repella, 2015: 1-10). غالب دولت‌ها در برداشت از آب‌های فرامرزی، اقدامات یک جانبه را در راستای منافع خود و بدون در نظر گرفتن نیازهای دولت‌های مشترک حوضه‌های فرامرزی، انجام می‌دهند که چنین سیاست‌هایی، تعادل طبیعی مقدار و کیفیت منابع آب را تغییر می‌دهد و در نهایت باعث اختلافات بین‌المللی می‌شود (Samei, 2018; 41). سازمان ملل متحد در نامگذاری سال ۲۰۱۳ به عنوان سال "همکاری بین‌المللی آب" اعلام کرد: «۱۴۸ کشور حداقل یک حوضه رودخانه فرامرزی مشترک دارند» (United Nations, 2013: 16)، سه چهارم دولت-ملت‌های جهان رودخانه‌ای را در خود جای داده‌اند که از مرزهای سیاسی می‌گذرد، و این با چالش‌های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و زیست‌محیطی همراه است که نیاز به راه‌حل‌های خلاقانه دارند. در مورد آب‌های فرامرزی، یک چارچوب بسیار نظامی و امنیتی شده خطر تشویق طرح‌های مدیریت یک‌جانبه را به همراه دارد که خطر درگیری خشونت آمیز را افزایش می‌دهد و همکاری را دلسرد می‌کند (Trombetta, 2008: 585-602). در دهه ۱۹۹۰، دونا هو^۱ (۱۹۹۷) اشاره کرده است که آب به روش‌های مختلفی درک می‌شود: به عنوان یک کالای اقتصادی (در بازار)، به عنوان یک کالای سیاسی (در بوروکراسی) و به عنوان یک کالای فرهنگی (در روابط خویشاوندی) (Rees & Reed, 2015: 28-42). این درک و معانی متعدد از سوی بازیگران امری پیچیده است که حل مسائل مرتبط به آن معمولاً مستلزم تعامل بسیاری از طرفین با ارزش‌های متضاد است. از آنجایی که اقدامات دیپلماسی آب موثر و به موقع مبتنی بر ارزش‌ها و چشم‌انداز مشترک می‌تواند فعل و انفعالات آب فرامرزی را در راستای تامین منافع بازیگران سامان‌دهی و ابزارهای لازم را برای رسیدگی به درگیری‌های آب فرامرزی فراهم کند به همین دلایل این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی، به بررسی و ترسیم نقشه راه دیپلماسی آب می‌پردازد. در راستای ترسیم نقشه راه دیپلماسی آب مشخصاً هر نوع تلاشی برای تدوین اقدامات دیپلماسی آب بدون در نظر گرفتن ارزش و منافع بازیگران منطقه به طور قطع عقیم خواهد بود زیرا فعل و انفعالات آب فرامرزی، ذاتاً سیاسی هستند و توسط بافت سیاسی-اجتماعی گسترده توسط کشورهای دارای حوضه رودخانه تعیین می‌شوند در مجموع، این پژوهش با تاکید بر شفاف‌سازی چالش‌ها و فرصت‌های موجود در منابع آب مشترک به ایجاد چارچوبی برای نقشه راه دیپلماسی آب، به دنبال راهکارهایی است که در نهایت به بهبود مدیریت و پایداری این منبع حیاتی منجر شود.

¹ - Donahue

پژوهش حاضر از نظر هدف در مجموعه پژوهش‌های کاربردی قرار می‌گیرد و به منظور تحلیل عمیق‌تر موضوعات مرتبط، از روش توصیفی - تحلیلی بهره می‌برد. برای گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز این پژوهش، از روشی منظم و سازمان‌یافته استفاده شده است. در این راستا، مطالعات کتابخانه‌ای به عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی انتخاب شده و مطالعه منابع متنوعی در دستور کار قرار گرفته است. این منابع شامل کتب تخصصی و عمومی، اسناد تاریخی و علمی، مقالات تحقیقاتی منتشر شده در مجلات معتبر و وبسایت‌های معتبر مرتبط با موضوع پژوهش هستند.

۳- مبانی نظری

۳-۱- دیپلماسی آب

در چند سال گذشته، «هیدرو دیپلماسی» (یا دیپلماسی آب) به عنوان یکی از این رویکردهای مورد نظر ظاهر شده است. منطق دیپلماسی آب مبتنی بر بحث‌هایی در مورد امنیت محیطی، درگیری، همکاری و ایجاد صلح است که در پایان جنگ سرد مورد توجه قرار گرفتند (Rebecca: 2018:446-454). این نشان‌دهنده آگاهی از ماهیت سیاسی حاکمیت آب در سطح فرامرزی است که به طور کامل با اصطلاحات «مدیریت آب فرامرزی» یا «همکاری آب» درک نمی‌شود و با هدف درک شیوه‌های به کار رفته توسط دیپلمات‌ها و به فراتر از توضیحات دولت محور نگاه می‌کند (Keskinen et al 2021:654-667). در حالی که هم دانشگاهیان و هم سیاست‌گذاران به طور فزاینده‌ای بر دیپلماسی آب تمرکز می‌کنند، هیچ تعریف ثابتی از آن وجود ندارد و مفاهیم و تعاریف به طور قابل توجهی در بین مؤسسات تحقیقاتی و سیاست‌گذاری مختلف متفاوت است (Molnar et al., 2017:56). مفاهیم دیپلماسی آب و همکاری آب فرامرزی گاهی حتی به صورت متقابل مورد استفاده قرار می‌گیرند، اگرچه مطالعات دیپلماسی آب معمولاً بیشتر بر پیشگیری از درگیری و تعامل دیپلماتیک متمرکز است (Huntjens et al., 2016; Islam and Susskind, 2013; Molnar et al., 2017; Schmeier, 2018; Yildiz et al., 2016). اما در واقع دیپلماسی آب یک مفهوم ترکیبی است که به دانش‌های فنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی توجه می‌کند. این مفهوم، نقطه تلاقی علم، سیاست و عمل است و شامل بازیگران دولتی و غیردولتی است (Klimes et al., 2019:1362- 1370). مبارزه با اختلافات آبی بین‌المللی، هدف اساسی دیپلماسی آب است که در روابط بین‌المللی ریشه دارد. دیپلماسی آب با تلاش برای دستیابی به اهداف مطلوب در سیاست خارجی از طریق کنترل، پیشگیری و حل و فصل اختلافات میان کشورها به منظور همکاری‌های آبی فرامرزی و تقویت یکپارچگی منطقه‌ای، حمایت می‌کند (Salmoral et al., 2019:85-96). دیپلماسی آب می‌تواند ابزارهای بیشتری را برای مقابله با تنش‌های آب‌های مشترک مرزی فراهم کند (Council of the European Union, 2018: 55). در مرکز دیپلماسی، به طور کلی، مفهوم «انجام روابط با استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز توسط بازیگران بین‌المللی و بین آن‌ها» قرار دارد (Cooper et al., 2013:361-376). دیپلماسی

آب به ایجاد روابط برای ایجاد اعتماد بین طرف‌های مستعد درگیری کمک و با انجام این کار به جلوگیری از درگیری‌های بیشتر و پایدارتر کردن تغییر کمک می‌کند و از ابزارهای سیاست زیست محیطی، استراتژی‌های مدیریت آب و راه‌حل‌های مهندسی بهره می‌برند. این اصطلاح در مشاوران سیاسی و پژوهشگران سیاست برای شرح روش‌های حل مشکلات آب توسط سیاستمداران امور خارجه و افزایش همکاری‌های مرتبط با آب به منظور برقراری صلح به کار می‌رود (Baripour et al., 2022: 403-442). بنابراین در سطح فرامرزی، دیپلماسی آب اغلب برای جلوگیری از تشدید درگیری و بهبود همکاری استفاده می‌شود و به دنبال توسعه راه حل‌های معقول، پایدار و صلح آمیز برای تخصیص و مدیریت آب است و در عین حال همکاری و همکاری منطقه‌ای را ارتقا می‌دهد یا بر آن تأثیر می‌گذارد (Huntjens et al., 2016:19). پیشگیری و حل منازعات آبی عمدتاً نتیجه فرآیندهای تحقیق و دستیابی به حقایق، مذاکره، میانجیگری و مصالحه است که ریشه در درک مستمر از شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی و زمینه سیاسی دارد که مستلزم آن است با ارزیابی صحیح و تجزیه و تحلیل یکپارچه از سیستم آب پشتیبانی حمایت شود (Pohl et al., 2014:13). دیپلماسی آب (دوجانبه، چندجانبه^۱) ابزاری برای تحقق اهداف معین مرتبط با منافع ملی کشور است و یا گفتگو، مذاکره و آشتی دادن منافع متضاد میان کشورهای ساحلی است (Hefny, 2011:36). دیپلماسی آب با بهره‌بردن از ابزارهای متنوع خود، از جمله تأسیس نهادهای بین‌المللی زمینه‌ای را برای همکاری‌های آبی و در نتیجه حل و فصل مناقشات بین‌المللی در زمینه آب فراهم می‌کند و انتظار می‌رود فرآیندهای فراگیرتر به ایجاد اعتماد و ارتقای همکاری در سراسر مرزها به ویژه در حوزه‌هایی با گفتگوی محدود بین دولت‌ها و تضمین پایداری به اجرای توافقات پس از مذاکره کمک کند (Hefny, 2011:20).

۳-۲- نظریه‌های دیپلماسی آب

بر اساس مطالبی که در تعریف دیپلماسی آب ارائه شده است، می‌توان گفت که دیپلماسی آب یک مفهوم نوظهور و در حال توسعه است. در واقع، این حوزه همچنان در مراحل ابتدایی شکل‌گیری و تکامل خود قرار دارد. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی سه نظریه اساسی دیپلماسی آب می‌پردازد که به بسط مفهومی این حوزه و چارچوب نظری آن کمک می‌کنند. این نظریه‌ها به‌طور خاص به مسائل رودخانه‌های فرامرزی پرداخته است و تعامل و همکاری را به‌عنوان راهکاری مؤثر برای حل مشکلات ناشی از منابع آب‌های فرامرزی معرفی می‌کنند. نظریه‌های مورد بحث شامل نظریه هیدروژمونی، نظریه چارچوب دیپلماسی آب و نظریه مسیر دیپلماسی آب هستند. در ادامه، این نظریه‌ها با توجه به ادبیات پژوهشی دیپلماسی آب مورد بررسی و تحلیل قرار خواهند گرفت تا به فهم بهتری از رویکردهای موجود در این زمینه دست یافته شود. به‌طور خلاصه، دیپلماسی آب به‌عنوان یک مفهوم کلیدی، نیازمند چارچوب‌های نظری قوی و درک عمیق از تعاملات بین کشورها و تأثیرات آب در امنیت، توسعه و همکاری‌های بین‌المللی است. در این خصوص، نظریه‌ها نه تنها به تبیین مسائل موجود

¹ -Bilateral, Multilateral

کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند راه‌های نوینی را برای مدیریت و استفاده بهینه از منابع آبی پیشنهاد دهند. لذا، توجه به این نظریه‌ها و بسط آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز پیشرفت‌های بیشتری در حوزه دیپلماسی آب باشد.

➤ نظریه‌ی هیدروهمژمون^۱

هیدروهمژمونی به عنوان یک چارچوب تحلیلی برای درک تعاملات و تضادها بین کشورهای هم‌حوضه‌ای، به ویژه در شرایطی که عدم توازن قدرت وجود دارد، استفاده می‌شود. هیدروهمژمونی به طور خاص به شرایطی اشاره دارد که در آن یک کشور بالادست (همژمون) با استفاده از قدرت سیاسی، اقتصادی یا مادی خود، بر استفاده و دسترسی به منابع آب تأثیر می‌گذارد. چارچوب هیدروهمژمونی نخستین ساختار در هیدروپلیتیک است که در آن قدرت به عنوان عامل اصلی و کلیدی در مناسبات آب‌های فرامرزی در نظر گرفته شده است (Ghoreishi et al., 2019: 242-264). زیتون و وارنر در سال ۲۰۰۶ چارچوب هیدروهمژمونی را برای تحلیل واکاوی نحوه‌ی مناسبات آبی کشورهای حوضه آبریز مشترک معرفی کردند. مطالعات آنها بر دو ویژگی متمایز در تحلیل آب تأکید می‌کند: (الف) تأثیر شدت‌های مختلف درگیری و (ب) تأثیر روابط قدرت (Zeitoun & Warner, 2006: 435-460). ناف و ماتسون هم اینچنین استدلال می‌کنند که سه عامل، تناسب قدرت بین دو یا چند کشور هم‌ساحل را در یک حوضه رودخانه‌ای فرامرزی مشخص می‌کند: ۱. موقعیت جغرافیایی؛ ۲. قدرت سیاسی، اقتصادی و نظامی و ۳. قدرت فن‌آوری (Naff & Matson, 1984: 67). حوضه قوی‌تر می‌تواند از مزیت‌های قدرتی خود به روش‌های مختلفی استفاده کند تا مطمئن شود که پیکربندی به نفع خود است. هیدروهمژمون (HH) همچنین توانایی هدایت در حوضه را دارد و غالباً می‌تواند نتیجه بهینه‌تری برای همه طرف‌ها ایجاد کند (Cascão & Zeitoun, 2010: 27-42). چارچوب هیدرو-همژمونی برای ارزیابی چگونگی برهمکنش قدرت در جریان یک آبراه مشترک، که تعاملات را شکل می‌دهند استفاده می‌شود. نظریه هیدروهمژمونی معتقد است که هیدروهمژمون شکلی از تعامل را بر روی آب‌های فرامرزی ایجاد می‌کند که خود ترجیح می‌دهد (Warner & Zeitoun, 2008: 802-810). این مفهوم نه تنها به بررسی قدرت و تسلط کشورها می‌پردازد، بلکه به بررسی چگونگی همکاری و تضاد بین دولت‌های ساحلی نیز توجه دارد (Zeitoun & Warner, 2006). در رویکرد هیدرو-همژمونی، همژمونی از طریق استراتژی‌های کنترل منابع آب مانند جذب منابع، یکپارچه‌سازی و مهار به دست می‌آید. استراتژی‌ها از طریق مجموعه‌ای از تاکتیک‌ها (مانند فشار اجباری، معاهدات، ساخت دانش، و غیره) اجرا می‌شوند که با بهره‌برداری از عدم تقارن‌های قدرت موجود در چارچوب نهادی بین‌المللی ضعیف امکان‌پذیر می‌شوند (Cascão & Zeitoun, 2010: 27-42). فرآیندهای سیاسی خارج از بخش آب، روابط آبی-سیاسی گسترده حوضه را به شکلی از مزایای حاصل از همکاری تحت رهبری همژمونیک تا جنبه‌های نابرابر سلطه پیکربندی می‌کند. هیدرو-همژمونی در نقش هدایت کننده در حوضه می‌تواند یک شکل مثبت/رهبری از همژمونی آبی احتمالاً از طریق اجرای یک استراتژی یکپارچه‌سازی ایجاد کند و در مقابل هیدروهمژمونی که در یک نقش استثمارگرانه یکجانبه درگیر است، احتمالاً از طریق جذب منابع یا استراتژی‌های

¹ -Hydro-hegemony

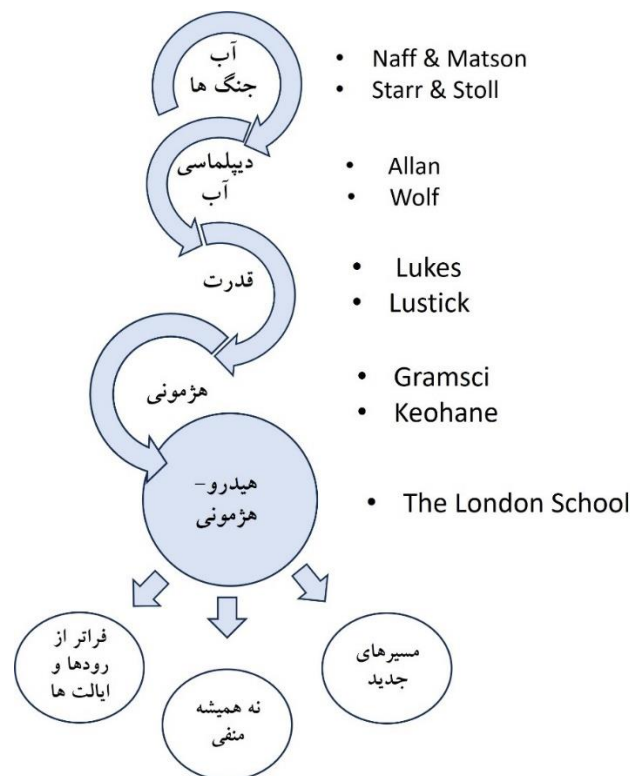
مهار، شکل منفی/غالبی از هژمونی آبی را ایجاد می‌کند (Loodin & Warner, 2022: 1-16). در طول یک دهه‌ی گذشته وارنر و همکاران (۲۰۱۷) با رویکردی منتقدانه، به تحولات و موضوعات مرتبط با حوزه‌ی هیدرو-هژمونی و به نظریه‌پردازی و تحلیل هژمونی آبی حول محور تضاد و همکاری در مقیاس فرامرزی پرداختند. یکی از نقاط کانونی کار آنها، تمرکز بر مشارکت‌های گروه تحقیقاتی آب لندن^۱ است. این گروه، با مطالعات و تحقیقاتی عمیق، نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به تفکر پیرامون هیدرو-هژمونی و هیدروپلیتیک ایفا کرده است. وارنر و همکاران به این نکته می‌پردازند که چگونه تفکر انتقادی در این زمینه از دامنه‌ی محدود خود فراتر رفته و به بررسی عمیق‌تری از نقش و تأثیرات فراملی و غیر دولتی در مدیریت منابع آب رسیده است. آنها در این چارچوب جدید به اهمیت قدرت در روابط حوضه‌های رودخانه‌ای فرامرزی تأکید می‌کنند. بر اساس تحلیل‌های آنها، قدرت نه تنها به مفهوم دولتی و حکومتی محدود نمی‌شود، بلکه شامل بازیگران غیر دولتی، جوامع محلی و سازمان‌های غیر دولتی نیز می‌گردد. این نوع تجزیه و تحلیل به درک بهتر از پیچیدگی‌های روابط بین کشورهای مشترک‌المنبع کمک کرده و ابعاد جدیدی از همکاری‌ها و تضادها را نمایان می‌سازد (Warner et al, 2017: 14). در نهایت، وارنر و همکاران با ارزیابی این ابعاد و نکات، به عمق و وسعت بحث هیدرو-هژمونی و تحلیل‌های مربوط به آن در مقیاس جهانی می‌افزایند و بر ضرورت ارتقاء رویکردهای انتقادی و تحلیلی فراتر از نگاه‌های متعارف تأکید می‌کنند و روند شکل‌گیری هیدرو-هژمون در قالب شکل شماره ۱، ارائه می‌دهند که با رویکرد انتقادی بر روی سه محور به نقد می‌پردازند:

۱. محوریت دولت و تله‌های سرزمینی (از جمله نقش نهادها و عاملیت غیرهژمون‌ها و بازیگران غیردولتی)؛

۲. مفروضات منفی و تغییرناپذیری هیدروهژمونی؛

۳. پتانسیل هیدروهژمونی خود یک مفهوم هژمونیک است (همان).

^۱ - گروه تحقیقاتی آب لندن (LWRG یا گروه لندن) در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن ایجاد شد. گروه اصلی عمدتاً متشکل از دانشجویان و همکاران پروفیسور جان آنتونی (تونی) آلن، مدافع کلیدی برای به رسمیت شناختن نقش مرکزی سیاست در مسائل آب، به ویژه در مناطق خشک بود.



شکل ۱: چارچوب هیدرو-هژمونی منبع: (همان)

➤ چارچوب دیپلماسی آب (WDF)^۱:

آب، به عنوان یک منبع محدود، خود را درگیر تضادهایی در مورد نحوه تخصیص و مدیریت آن می‌کند. منشأ بسیاری از مشکلات درهم‌تنیده آب، نتیجه پیوندهای متقابل و بازخورد میان متغیرها، فرآیندها، بازیگران و نهادها است (Islam & Madani, 2017:23). تلاش برای نظریه‌پردازی در مورد سیستم‌های آبی گسترده است، اما مجموعه ابزارها و تکنیک‌های موجود برای پیگیری و اجرای این نظریه‌ها در عمل اغلب به علمی منجر شده است که «هوشمندانه اما نه عاقلانه» است. به این دلیل است که ابزار و تکنیک‌هایی برای ادغام «یادگیری علمی» با «واقعیت متنی» مشکلات آب که مملو از عدم قطعیت، ابهام، غیرخطی بودن و بازخورد هستند، وجود ندارند (Islam & Susskind, 2012; Islam & Repella, 2015). چارچوب دیپلماسی آب به عنوان جایگزینی برای روش‌های مرسوم برای رسیدگی به مشکلات مدیریت آب در عبور از مرزها در حال ظهور است. چارچوب دیپلماسی آب (WDF) یک مفهوم در حوزه دیپلماسی آب می‌باشد که توسط اسلام و ساسکیند به کارگرفته شده است. این نظریه بر این اصل تمرکز دارد که مشکلات منابع آبی مشترک غالباً ساده نیستند و با رویکردهای مدیریتی سنتی نیز قابل حل نمی‌باشند. چارچوب‌های حل مسئله به روش سنتی برای رسیدگی به مشکلات ساده در جایی که اطمینان علمی و اجماع معقول در مورد مداخله وجود دارد، کافی هستند، اما وقتی چالش‌های آب ناشی از پویایی سیستم درهم‌تنیده-بهم پیوسته، نامطمئن، غیرقابل پیش‌بینی باشند، چارچوب‌های سنتی برای حل مسئله می‌توانند محدود کننده یا غیر سازنده باشند (Islam & Susskind, 2012).

¹- The Water Diplomacy Framework

2018; Islam & Susskind, 2012). WDF مشکلات آب را تشخیص می‌دهد، نقاط مداخله را شناسایی می‌کند و راه‌حل‌های پایداری را ارائه می‌کند که همزمان به دیدگاه‌های مختلف و عدم قطعیت و همچنین نیازهای متغیر و رقابتی ذینفعان حساس هستند. WDF فعالانه به دنبال فرصت‌های ارزش‌آفرینی با ترکیب علم، سیاست و سیاست به روش‌های نوآورانه و مناسب با زمینه است (Islam & Repella, 2015). این نظریه تفکر مرسوم در مورد مدیریت آب را به سه روش مهم به چالش می‌کشد:

- (۱). فرض می‌کند آب یک منبع انعطاف‌پذیر است نه یک منبع ثابت.
- (۲). علم و سیاست برای ایجاد شبکه‌های آب ترکیب می‌شوند.
- (۳). شبکه‌های آب درهم‌تنیده هستند و باید به عنوان سیستم‌های باز و غیرقابل پیش‌بینی به جای سیستم‌های بسته و قابل پیش‌بینی در نظر گرفته شوند.

سه فرض کلیدی تعبیه شده در WDF پیامدهای مهمی برای نحوه برخورد با اختلافات آب دارند (همان). اسلام و ساسکیند (۲۰۱۸) با بررسی و تحلیل دقیق مفاهیم و اصول دیپلماسی آب، علاوه بر ارائه یک چارچوب کلی و قابل استفاده که در شکل شماره ۲، قابل مشاهده است، به این نتیجه رسیدند که ادغام نظریه‌ی درهم‌تنیده‌ی^۱ علم می‌تواند به تقویت و بهبود این چارچوب کمک شایانی کند. این نظریه، با تأکید بر اهمیت تعاملات و روابط غیرخطی در سیستم‌های درهم‌تنیده، به پژوهشگران و دیپلمات‌ها این امکان را می‌دهد که به درک بهتری از چالش‌ها و فرصت‌های مرتبط با منابع آبی پردازند. در طی چند دهه گذشته، علم درهم‌تنیده مورد توجه بسیاری از رشته‌ها قرار گرفته است (Pahl-Wostl, 2004:354-365). آنچه معمولاً از آن به عنوان "علم درهم‌تنیده" یاد می‌شود در واقع مجموعه‌ای از چارچوب‌ها، نظریه‌ها، مدل‌ها و ابزارهای مهندسی سیستم‌ها، نظریه‌ی آشوب، سایبرنتیک و مطالعات سیستم‌های تطبیقی است (Islam & Madani, 2017:67). سیستم‌های درهم‌تنیده به دلیل ماهیت خود در برابر تشخیص تجویزی مقاومت می‌کنند و این تشخیص توسط اصطلاحات تخصصی انضباطی پیچیده‌تر می‌شود. به عنوان مثال، دانشمندان علوم اجتماعی اغلب بر چگونگی ایجاد درهم‌تنیده در تعاملات خاص زمینه‌ای بر بازیگران و مؤسسات تمرکز می‌کنند، در حالی که دانشمندان علوم طبیعی به بررسی این موضوع می‌پردازند که چگونه غیرخطی بودن و بازخورد در میان متغیرها و فرایندها باعث ایجاد درهم‌تنیدگی می‌شود (Islam & Susskind, 2018:589-598).

¹ - complexity science



شکل ۲: چارچوب دیپلماسی آب WDF، منبع: (Islam and Repella, 2015)

از این رو، نظر اسلام و ساسیکند (۲۰۱۸) بر این است که بهره‌گیری از این رویکرد علمی، می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های بهینه و پایدار در زمینه‌ی مدیریت منابع آب و مذاکره در مورد تقسیم و استفاده‌ی عادلانه از این منابع کمک کند. این ترکیب می‌تواند به ایجاد سیاست‌های کارآمدتر و استراتژی‌های بهتری برای حل مشکلات آبی و در نتیجه، به تقویت همکاری‌های بین‌المللی در این حوزه منجر شود. در واقع، اسلام و ساسیکند با بهره‌گیری از مفاهیم کلیدی همچون "ابزار، منافع و ارزش"، "سیستم درهم‌تنیده"، "مشکلات درهم‌تنیده"، "عدم قطعیت" و "حقیقت‌یاب مشترک"، تلاش دارند تا چارچوبی نظری برای دیپلماسی آب ایجاد کنند. این مفاهیم نه تنها به درک بهتر تعاملات و روابط بین کشورها در زمینه‌ی منابع آبی کمک می‌کنند، بلکه امکان تنویر کردن ابعاد مختلف دیپلماسی آب را نیز فراهم می‌آورند.

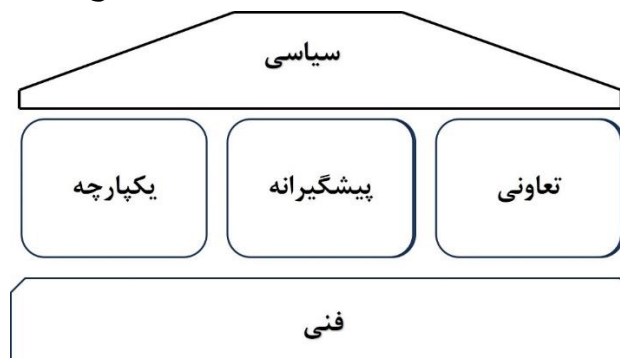
مفهوم "ابزار، منافع و ارزش" به بررسی این نکته می‌پردازد که کشورها چگونه از ابزارهای دیپلماسی برای دستیابی به منافع و ارزش‌های خود در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلف استفاده می‌کنند (Islam & Susskind, 2012:48). همچنین "سیستم درهم‌تنیده" نشان می‌دهد که دیپلماسی آب تحت تأثیر متغیرهای زیادی قرار دارد و این متغیرها، که شامل عوامل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی هستند، به طور متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند (Bagherzadeh, 2018: 17). در بحث "مشکلات درهم‌تنیده" به چالش‌هایی اشاره دارند که

- 1-tools, interest, values
- 2- Complex systems
- 3- Complex problems

کشورهای مختلف در مدیریت منابع آبی با آن مواجه هستند، چالش‌هایی که به سادگی قابل حل نیستند و نیاز به رویکردهای نوآورانه و چندجانبه دارند. علاوه بر این، مفهوم "عدم قطعیت" به ناخواسته‌ها و پیش‌بینی‌ناپذیری‌های موجود در روابط بین‌المللی اشاره می‌کند که به ویژه در زمینه آب، به‌طور جدی بر تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار است. در نهایت، مفهوم "حقیقت‌یاب مشترک"^۲ به ضرورت تلاشی جمعی برای درک واقعیت‌های موجود در زمینه آب و تلاش برای رسیدن به توافقات معقول و منطقی میان کشورها تأکید دارد (Islam & Susskind, 2012:84).

➤ مسیر دیپلماسی آب (WDP)^۳

اقدامات دیپلماسی معمولاً در چندین مسیر و مقیاس متفاوت است. کسینن و سالمینن و هاپالا (2021)^۴، با معرفی مسیرهای دیپلماسی آب برای تحلیل زمینه‌های مختلف دیپلماسی آب و اقدامات دیپلماسی، عملکردی برای دیپلماسی آب ارائه نمودند. در این جهت، پنج جنبه کلیدی برای دیپلماسی آب (سیاسی، پیشگیرانه، یکپارچه، تعاونی، فنی) را مورد شناسایی قرار و یک تعریف کلی برای دیپلماسی آب پیشنهاد دادند. برای تمایز میان این دو مفهوم دیپلماسی آب و همکاری‌های منابع آب، کسینن و همکاران (2021)، با در نظر گرفتن پنج جنبه برای دیپلماسی آب مرزبندی مشخصی از دیپلماسی آب را ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که روشن کردن تفاوت بین این دو مفهوم می‌تواند به شناخت اقدامات دیپلماسی آب که مکمل فعالیت‌های تعاونی و همکاری موجود می‌باشد، کمک کند (Keskinen et al, 2021:654-667) و این پنج جنبه را در شکل شماره ۳، به‌نمایش می‌گذارند. هر پنج جنبه، دیپلماسی آب را فرآیندی می‌دانند که (در مقایسه با دیگر انواع دیپلماسی فرعی) آب‌های مشترک را به کمک روش‌های دیپلماتیک به‌عنوان یک موضوع سیاسی مدیریت می‌کنند (همان).



شکل ۳: پنج جنبه کلیدی دیپلماسی آب، منبع: (Keskinen et al, 2021)

در ادامه‌ی بررسی جنبه‌های دیپلماسی آب یک رویکرد چهار مرحله‌ای به نام مسیرهای دیپلماسی آب (WDP) را برای تحلیل یک زمینه دیپلماسی آب و شناسایی اقدامات بالقوه دیپلماسی آب پیشنهاد شده است. برای برانگیختن تفکر و تکمیل فعالیت‌های همکاری‌های آب فرامرزی موجود، این رویکرد بر تنش‌های مرتبط با

1 - uncertainty

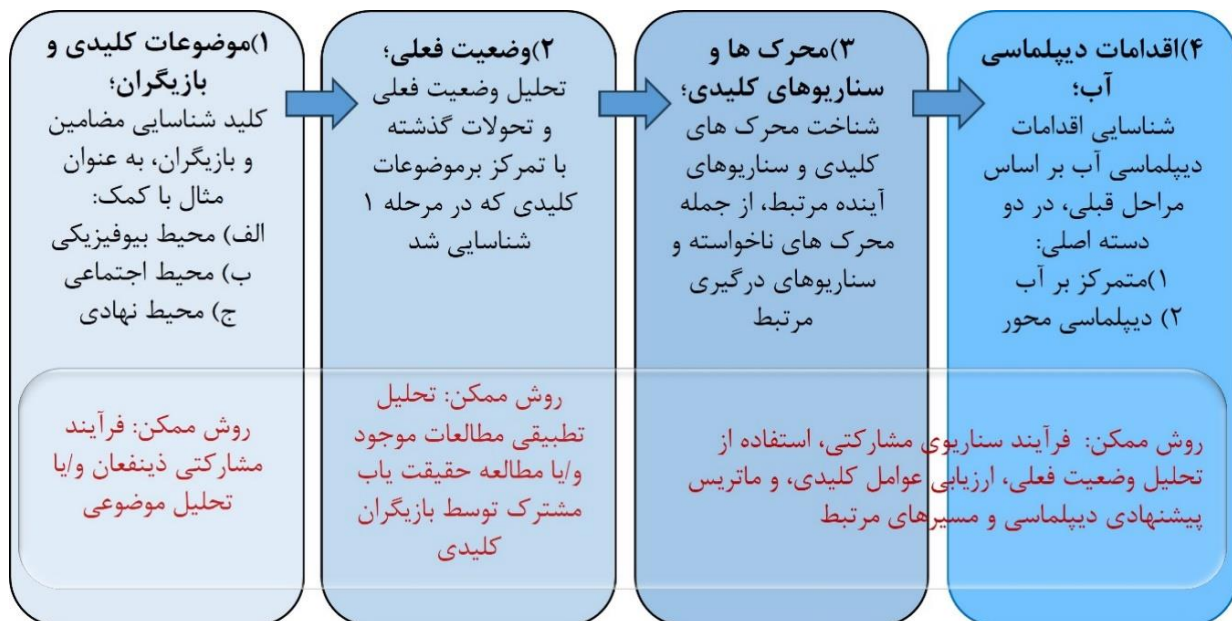
2 - joint fact finding

3 -Water diplomacy paths

4- Marko Keskinen, Erik Salminen, Juho Haapala

آب و سیاست و همچنین اقدامات پیشگیرانه و کاهش دهنده مرتبط تأکید دارد. به این ترتیب این رویکرد ارتباط نزدیکی با جنبه‌های سیاسی و پیشگیرانه دیپلماسی آب دارد.

چهار گام خطی شرح داده شده در شکل شماره ۴، به شناسایی تنش‌های احتمالی و اقدامات دیپلماسی آب مرتبط کمک می‌کند. با این حال، مراحل تنها نشانگر هستند، زیرا در واقع هر فرآیند مرتبط با دیپلماسی آب احتمالاً به شیوه‌ای تکراری و چرخه‌ای توسعه می‌یابد.



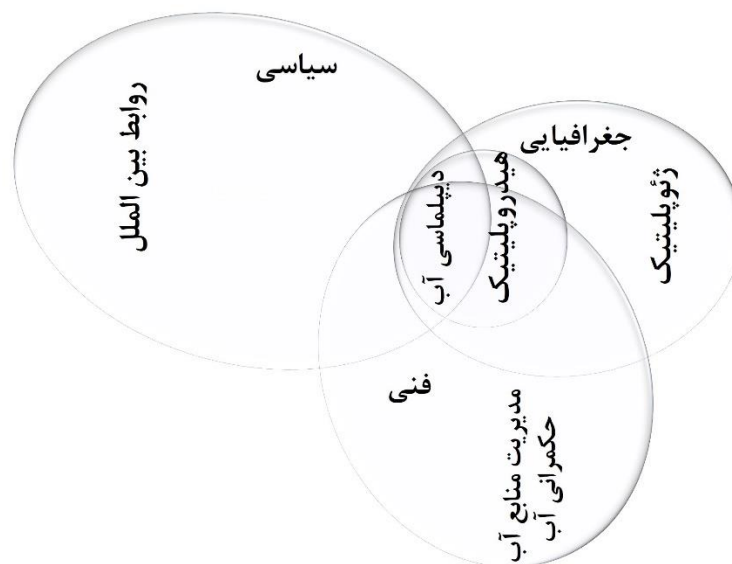
شکل ۴: چارچوب مسیرهای دیپلماسی آب (WDP)، منبع: (Keskinen et al, 2021)

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- مولفه‌های کانونی دیپلماسی آب

سابقه‌ی نظری دیپلماسی آب تاکنون عمدتاً بر مدیریت منابع آب است و غالباً بیشتر مفاهیم خود را از رویکردهای مدیریتی منابع آب وام گرفته است. گرچه رویکردهای نظری موجود دیپلماسی آب در تلاش است بعد سیاسی و جغرافیای را بسط و گسترش دهند اما در نهایت خروجی‌های ارائه شده نزدیکی بیشتری با بحث‌های مدیریت منابع آبی و حکمرانی آب دارد در حالی که با توجه ماهیت سیاسی و جغرافیایی در کنار بعد فنی دیپلماسی آب، فصل مشترک روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک و مدیریت منابع آب مشترک را می‌توان دیپلماسی آب نام نهاد. ماهیت سیاسی، جغرافیایی و فنی دیپلماسی آب پایه و چستی دیپلماسی آب را شکل می‌دهند که پرداختن به هر مورد بدون در نظر گرفتن دیگری اساساً چگونگی و چرایی دیپلماسی آب را محقق نخواهد ساخت. به عنوان مثال در بحث آب‌های فرامرزی خاورمیانه، آلن (۲۰۰۱) به ماهیت سیاسی منابع آب فرامرزی اشاره می‌کند و می‌گوید: «تا زمانی که سیاست را درک نکنید، نمی‌توانید مسائل مربوط به آب را در خاورمیانه

درک کنید» (Najafi & Vatanfada, 2013: 155-135). همچنین باید در نظر داشت مشکلاتی که در زمینه‌ی سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرند مانند مشکلاتی نیستند که ابزارهای مهندسی و مدیریتی برای آن طراحی شده‌اند. در کنار جامعه دانش، جامعه سیاسی نیز بر مدیریت منابع آب تأثیر می‌گذارند. فرآیندهای تصمیم‌گیری در جامعه سیاسی نه تنها شامل ورودی‌های جامعه دانش، بلکه مشروعیت، ضرورت و اثربخشی درک شده اقدامات پیشنهادی است که با ارزش‌های جامعه همسو هستند. جامعه سیاسی هم شامل بازیگران و فعالیت‌هایی می‌شود که در سیاست‌های دولتی دخیل هستند و هم فعالیت‌های غیردولتی گروه‌های جامعه مدنی که به دنبال چارچوب-بندی ارزش‌های زیربنایی حکمرانی است که بر اولویت‌های تخصیص آب تأثیر می‌گذارد. به همین جهت با تاکید بر بعد سیاسی و جغرافیایی نظریه‌های دیپلماسی آب در پی تعریف جدید و بسط مفهوم دیپلماسی آب هستیم. در ادامه با در نظر گرفتن سه بُعد ماهیت دیپلماسی آب که در شکل شماره ۵، مشخص شده‌اند به بررسی این ابعاد و ارتباط آنها بر ماهیت دیپلماسی آب می‌پردازیم.



شکل ۵: ماهیت جغرافیایی، سیاسی و فنی دیپلماسی آب، منبع: (یافته‌ی پژوهش)

سیاسی: دیپلماسی آب به‌طور ذاتی یک فرآیند سیاسی محسوب می‌شود. دیپلماسی به‌عنوان یک ابزار قراردادی و نظام‌مند، هنر مدیریت و تنظیم روابط بین افراد و کشورها را شامل می‌شود و معمولاً توسط مقامات دولتی به شکل روابط بین‌المللی شکل می‌گیرد. دیپلماسی از جمله راه‌ها و وسایل تاثیرگذاری یک دولت بر دیگر دولت-هاست و از این‌رو یکی از ابزارهای اعمال قدرت یک کشور بشمار می‌رود بنابراین نقش بسیار مهم در سیاست-خارجی یک کشور دارد (Zarif & Sajjadpour, 2011: 98). دیپلماسی از جمله راه‌ها و وسایل تاثیرگذاری یک دولت بر دیگر دولت‌هاست و از این‌رو یکی از ابزارهای اعمال قدرت یک کشور بشمار می‌رود بنابراین نقش بسیار مهم در سیاست‌خارجی یک کشور دارد (Ghavam, 2008: 97). بدون دیپلماسی، کشورها قادر

به پیگیری و حفظ منافع خود در مقابل تهدیدات و فشارهای بین‌المللی نخواهند بود و ممکن است در معاملات بین‌المللی ضرر ببینند (Smith, et al., 2011: 21). بنابراین دیپلماسی همچنان به عنوان یکی از اصول اساسی در سیاست خارجی کشورها تأکید می‌شود و نقش بسزایی در صلح و امنیت جهانی ایفا می‌کند.

جغرافیایی: دیپلماسی آب، به عنوان یک فرآیند مرتبط با منابع جغرافیایی و موقعیت‌های خاص، به طور مستقیم با جغرافیای سیاسی گره خورده است و در چهارچوب ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک قرار می‌گیرد. هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی می‌باشد که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد (Mokhtari Hashi 2013: 45-83). تورتون (۲۰۰۲) در تعریف خود از هیدروپلیتیک به عنوان «تخصیص مقتدرانه ارزش‌ها در جامعه با توجه به آب» به موضوع توزیعی می‌پردازد (Cascão & Zeitoun, 2010). بنا به تعریف حافظ‌نیا هیدروپلیتیک به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد اعم از آنکه در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (Hafeznia, 2017: 102). کاویانی‌راد (۱۳۹۸)، هیدروپلیتیک را شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی معرفی می‌کند که درهم‌تنیدگی مناسبات قدرت با اندرکنش‌های جوامع و واحدهای سیاسی-فضایی بر سر منابع آب شیرین از مقیاس محلی تا جهانی را مطالعه می‌کند (Kaviani Rad, 2018: 32). مجتهدزاده معتقد است که هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی در روابط میان دولت‌ها با یکدیگر با روابط میان دولت‌ها و مردم حتی در یک کشور می‌پردازد. کمبود آب یا اجازه عبور آب از مرزهای بین‌المللی به گونه‌ای روزافزون در روابط سیاسی دولت‌ها و ملت‌های خود و روابط کشورها با یکدیگر اثر می‌گذارد (Mojtahedzadeh, 2002: 101).

فنی: دیپلماسی آب به عنوان یک فرایند هنجاری، نه تنها بر درک همکاری و تضاد مرتبط با منابع آبی تمرکز دارد، بلکه هدف اصلی آن ایجاد راه‌حل‌های پایدار و صلح‌آمیز برای تأمین نیازهای تمامی مصرف‌کنندگان آب است. این ویژگی هنجاری دیپلماسی آب، بر ضرورت نگاهی جامع به مسائل آب تأکید دارد که از اهداف حکمرانی آب نیز به‌شمار می‌رود. حکمرانی آب در قالب بستری پیچیده معرفی می‌شود که نقش «تنظیم‌کننده» فرایندهای توسعه، مدیریت و خدمات آب را ایفا می‌نماید (Mirnezami & Bagheri, 2017: 32-55). حکمرانی آب به ابعاد رسمی، غیررسمی، مشارکت‌ها، فرایندهای تصمیم‌گیری مشترک و خروجی‌های گفت‌وگوها و مذاکرات مرتب می‌شود (Farzaneh, 2017: 57-94) و مجموعه‌ای از نظام‌هایی است که تصمیم‌گیری مربوط به توسعه و مدیریت منابع آب را کنترل می‌نمایند. ازاینرو، حکمرانی آب بیشتر به روش تصمیم‌گیری در زمینه مدیریت آب (به‌عنوان مثال، چگونه، توسط چه کسی و تحت چه شرایطی تصمیمات گرفته می‌شوند) تا خود تصمیمات مربوط می‌گردد. در مدیریت آب، مرزهای توافق، به دلیل افزایش مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری در دو سطح مصرف و منبع آب (حوضه رودخانه)، در حال تغییرند (Askary, 2015: 25-34). بنابراین دیپلماسی آب شامل همه‌ی نقاط کانونی سیاست، جغرافیا و مدیریت است که با اقدامات عملی و

مجموعه‌ای از تکنیک‌ها، مشکلات درهم‌پیچیده از بازخورد سیستم‌های سیاسی، جغرافیای و حکمرانی آب را در منابع آبی مشترک مرزی در جهت مطلوب هدایت می‌کند. شناخت دقیق نقاط یا مولفه‌های قانونی دیپلماسی آب می‌تواند اثربخشی سیاست‌های مرتبط با این حوزه را افزایش دهد و در عین حال، جریان آکادمیک زیربنایی آن را غنی‌تر کند. این مولفه‌های قانونی به عنوان مقیاس‌های جدیدی در درک و تفسیر پیچیدگی‌های دیپلماسی آب شناخته می‌شوند و می‌توانند به عنوان ابزارهایی مؤثر برای پیشبرد گفت‌وگوها و همکاری میان کشورها و بازیگران مختلف عمل کنند. این مفاهیم مشترک، هر چند که ممکن است در ابتدا به نظر جدید نرسند، اما در واقع تلاشی است برای جلب توجه به پیچیدگی‌های دیپلماسی آب و تقویت فهم ما از روابط بین کشورها و بازیگران مختلف. تحلیل عمیق این مفاهیم و شناسایی عناصری که در هر یک از نظریه‌ها وجود دارد، کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از یک چارچوب مفهومی جامع‌تر، یک تصویر واضح‌تر از دینامیک‌های حاکم بر دیپلماسی آب به دست آورد. جدول شماره ۲، تلاشی است که مولفه‌های قانونی دیپلماسی آب را پیدا و تقویت کند. در ادامه، هر یک از این مولفه‌ها را به طور تفصیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص گردد که در پژوهش حاضر، بر کدام بعد و جنبه خاص از هر یک از این مولفه‌ها در تدوین نقشه‌راه دیپلماسی آب تمرکز شده است.

جدول ۱: مولفه‌های قانونی نقشه‌راه دیپلماسی آب

نظریه‌های دیپلماسی آب			
هیدروهمون	چارچوب دیپلماسی آب	مسیر دیپلماسی آب	
HH	WDH	WDP	
ماهیت دیپلماسی آب			
مدیریت منابع آب (حکمرانی آب)	ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک	روابط بین‌المللی	مولفه‌ی قانونی
(IWRM)			
(فنی)	(جغرافیایی)	(سیاسی)	
ذی‌نفعان	قدرتمند	سازمان‌های بین‌المللی	بازیگران
مشارکت کنندگان	فرا دست	دولت	
تصمیم‌گیرندگان	فرو دست	ایالت	
انرژی	ژئوپلیتیکی	اقتصادی	ارزش و منافع
امنیت غذایی	ژئواستراتژی	تجاری	
زیست‌محیطی	ژئواکونومیک	سیاسی	
کشاورزی	زیست‌محیطی	امنیتی	
نهاد و ساختار	قدرت جغرافیایی	قدرت معنایی	قدرت
قوانین	قدرت مادی	قدرت چانه‌زنی	
نظارت	دسترسی عادلانه	همکاری	اهداف
مدیریت	پایداری و توسعه	صلح	
تولید دانش	یکپارچگی	امنیت پایدار	

دیپلماسی آب به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با منابع طبیعی و نیازهای بشری دارد، به شدت تحت تأثیر کنشگران مختلف قرار می‌گیرد. درک این گروه از اینکه چه کسانی بازیگران دیپلماسی آب هستند، متنوع هستند، از جمله کشورهای حاشیه‌ای در حوضه آبریز فرامرزی (Hefny, 2011:18)؛ یا نهادهای سیاسی مختلف، آن بخشی که از یک روند صلح در یک درگیری منطقه‌ای یا افرادی که از همکاری منطقه‌ای حمایت می‌کنند مانند ICWC¹ SIWI²؛ (Pohl et al, 2014)؛ نهادهای مشترک مانند کمیسیون‌های حوضه‌ی رودخانه (یا کمیسیون‌های دوجانبه) و سازمان‌های حوضه‌ی رودخانه‌ای^۳ (RBOs). ICWC مرکز بین‌المللی همکاری آب، SIWI یک موسسه آب است که از دانش و قدرت گردهمایی خود برای تقویت حاکمیت آب برای آینده‌ای عادلانه، مرفه و پایدار استفاده می‌کند. سازمان‌های حوضه‌ی رودخانه‌ای (RBOs) سازمان‌هایی با اختیارات سیاسی، قانونی و مدیریتی به بهترین وجه برای اداره آب فرامرزی در جایی که به ظرفیت‌های انسانی، مالی و فنی نیاز است مجهز خواهند بود طراحی می‌گردند (Schmeier, 2014:72). سازمان‌های حوضه‌ی رودخانه‌ای^۴ (RBOs) می‌توانند از طریق خدمت به عنوان مکان/هاب منطقه‌ای، برای حمایت از تصمیم‌گیری، اشتراک‌گذاری اطلاعات، نظارت بر رعایت، اطلاع‌رسانی و مشاوره، حل و فصل اختلافات و برنامه‌ریزی حوضه‌های آب مرزی در دیپلماسی آب نقش داشته باشند (Schmeier & Shubber, 2018) و در نهایت مهم‌ترین موارد مرتبط با کمیسیون‌های حوضه‌ی رودخانه (یا کمیسیون‌های دوجانبه) به مواردی چون کنوانسیون‌های بین‌المللی در سال ۱۹۱۱م؛ کنوانسیون حفاظت و استفاده از جریان‌های آبی فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۲م. (که «کنوانسیون آب» نامیده می‌شود) در هلستینکی امضا شد؛ کنوانسیون ۱۹۹۶ آب که به‌طور رسمی به عنوان «کنوانسیون سازمان ملل در مورد حق دسترسی به آب شرب و بهداشت» شناخته می‌شود، اشاره نمود (همان). بازیگران اصلی دیپلماسی آب معمولاً متشکل از دولت‌های کشورهای ساحلی و سازمان‌های بین‌دولتی مرتبط مانند کمیسیون‌های حوضه‌ی رودخانه هستند که اغلب با بازیگران دیگر در مسیرهای دیپلماسی متعدد همراه هستند. اسناد متعددی نیز حاکی از مشارکت به اصطلاح بازیگران شخص ثالث مانند کشورهای خارجی، شبکه‌ها یا سازمان‌ها در فرآیندهای دیپلماسی آب است (Grech-Madin et al, 2018:100–109). از دیدگاه هیدروپلیتیکی و ژئوپلیتیکی محدودیت بازیگری وجود ندارد از این نظر می‌کوشد تا همه‌ی بازیگران قلمرو رقابت را شناسایی کرده، سپس بر پایه میزان توانایی و تاثیرگذاریشان آن‌ها را دسته‌بندی نموده، هدف‌های هریک را شناخته، به‌ویژه محورهای تلقی این هدف‌ها را مجسم کرده و پس از گذار دقیق تمامی این مراحل به ترسیم چشم‌انداز فضای رقابت می‌پردازد (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۲۳). از نظر حکمرانی آب، دیپلماسی آب رویکردی است

1--International Centre for Water Cooperation

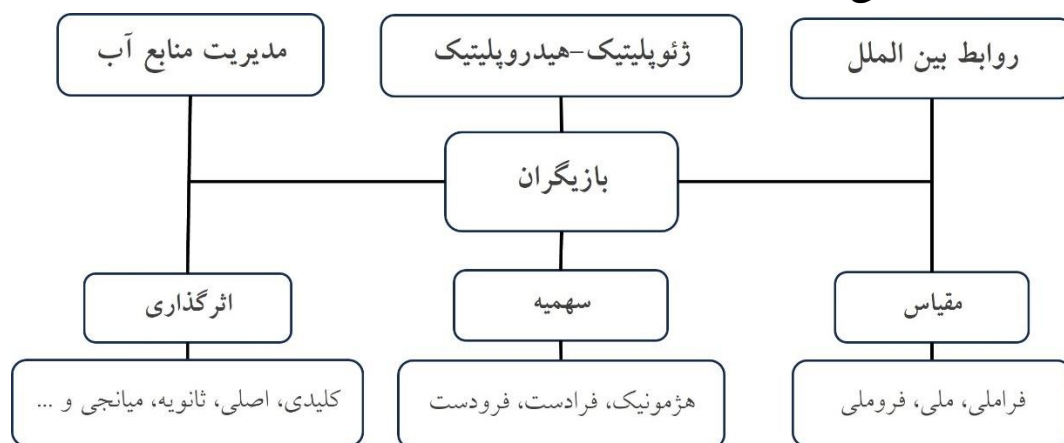
2-Stockholm International Water Institute

3- River Basin Organizations

4- River Basin Organizations

که ذی‌نفعان مختلف را قادر می‌سازد تا راه‌هایی را برای کمک به یافتن راه حل‌هایی برای مدیریت مشترک منابع آب شیرین مشترک ارزیابی کنند. این تنها به ذی‌نفعان دولتی محدود نمی‌شود. در واقع، بازیگران غیردولتی و فرآیندهای زیرحوضه نیز نقش مهمی در دیپلماسی آب دارند. حکمرانی آب و چارچوب مدیریت یکپارچه منابع آب (IWRM) مدت‌هاست که از گفتگوی چند سطحی و چند ذینفع حمایت می‌کند که شامل طیف گسترده‌ای از بازیگران، مانند میانجی‌های شخص ثالث، بازیگران غیردولتی، دانشگاهیان و جامعه مدنی است (Klimes et al., 2019:1362-1370). در نهایت باید گفت که با توجه به پیچیدگی ذاتی مشکلات آب و شبکه‌های آبی مشترک فرامرزی، همکاری نهادینه شده از سوی دولت‌های ساحلی با حمایت مشارکت همه بهره‌برداران آب، برای مدیریت مشترک موثر منابع آب و پیشگیری و مدیریت درگیری‌ها ضروری است (Schmeier & Shubber, 2018).

از این رو، بازیگران در دیپلماسی آب می‌توانند تعاریف و شکل‌های گوناگونی به خود بگیرد، هر کدام از این تعاریف بسته به ابعاد مورد بررسی از جمله روابط بین‌الملل، جغرافیای سیاسی و عوامل مدیریتی متنوع است. به کارگیری معیارهای مناسب برای شناسایی و تحلیل بازیگران می‌تواند به برقراری تعاملات سازنده و پایدار در مدیریت فراگیر منابع آب مشترک فرامرزی منجر شود. به همین جهت برای شناخت بازیگران در دیپلماسی آب سه معیار مقیاس، اثرگذاری و سهمیه‌ی بازیگران را به صورت شکل شماره ۶، می‌توان در نظر گرفت. در مدیریت منابع آب مشترک، بازیگران بر اساس سطوح مختلف جغرافیایی و میزان نفوذ دسته‌بندی می‌شوند. در سطح فراملی، بازیگران شامل هژمون (با بیشترین قدرت و نفوذ)، فرادست و فرودست (با توجه به توانایی و سهمیه‌ی بازیگری) هستند. در سطح ملی، دولت‌های ساحلی بازیگران اصلی محسوب می‌شوند. در نهایت، در سطح فروملی، طیف وسیعی از ذی‌نفعان و ذی‌صلاحان شامل همه نهادها و گروه‌های بهره‌بردار کلیدی، اصلی، ثانویه، میانجی و ... از منابع آب حضور دارند.

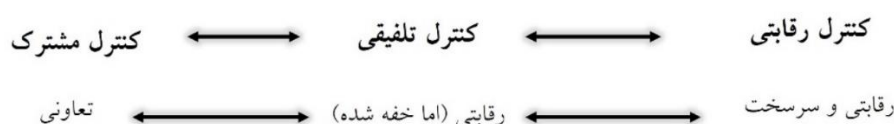


شکل ۶: بازیگران دیپلماسی آب، منبع: یافته‌های پژوهش

۴-۳- قدرت در دیپلماسی آب

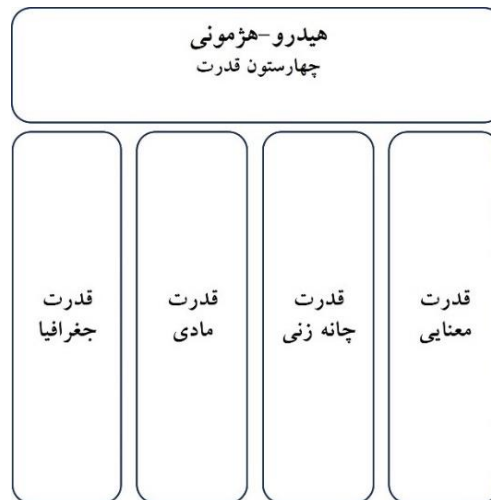
سامانه‌های آبی، به عنوان سامانه‌های طبیعی-انسانی، نیز اشکال متفاوتی از قدرت را برای کسب پذیرش کشور مقابل در استفاده و بهره‌برداری از منابع مشترک به وجود می‌آورد. از این رو، شناخت مکانیزم‌های متفاوت ایجاد

کننده پذیرش قدرت حائز اهمیت است (Ghoreishi et al., 2019: 242-264). در عوض، عدم تقارن قدرت و سیاست‌ها را نباید نادیده گرفت، زیرا سیاست‌های بین‌دولتی اغلب پتانسیل همکاری را سرکوب می‌کنند، جایی که دولت‌ها کنترل نامتناسبی از یک جریان آب را در دست دارند یا عدم تقارن را حفظ می‌کنند (Zeitoun & Warner, 2006: 435-460). برخی از محققان آب فرامرزی از رشته‌های مختلف در حال مطالعه حوضه‌های رودخانه‌ها هستند تا بفهمند که چگونه عدم تقارن قدرت بین کشورهای ساحلی بر تعاملات تأثیر می‌گذارد (Barua et al., 2018: 60-70). در مجتمع‌های آبی سیاسی با نابرابری نسبی و قدرت نامتقارن، اهرم‌ها از طریق موقعیت جغرافیایی حاشیه‌نشینان، منابع مالی، تجارت، دسترسی به اطلاعات، انتقال فناوری، ظرفیت نظامی و بسیج، و سایر منابع قدرت که به‌طور گسترده‌ای بین ساحل‌نشینان متفاوت است (Cascão & Zeitoun, 2010: 27-42). در بیشتر حوضه‌های رودخانه‌های فرامرزی، کشورهای بالادست از موقعیت جغرافیایی خود برای اتخاذ تصمیمات یکجانبه برای برداشت آب استفاده می‌کنند (Zarghani, et al., 2019: 1-32)، اما استثنائات مهمی نیز وجود دارد. در حوضه نیل، مصر پایین‌دست موقعیت غالب دارد، در حالی که در حوضه براهماپوترا، چین و هند برای هژمونی رقابت می‌کنند. از این رو، علاوه بر جغرافیا، میدان‌های قدرت دیگری نیز وجود دارد (هم آشکار و هم پنهان) که می‌تواند بر تعاملات فرامرزی تأثیر بگذارد (Zeitoun, 2008: 63). با این حال، سیاست‌ها پیرامون این عدم تقارن‌های جغرافیایی و قدرت در ادبیات نوظهور دیپلماسی آب نادیده گرفته می‌شوند (Vij et al., 2020: 249-253). تعاملات و همکاری در زمینه‌ی منابع آب بر پایه‌ی قدرت به صورت چندپهلوی و چندبعدی می‌توانند صورت بگیرند. این اشکال تعامل بر منابع آب فرامرزی را کاسکائو و زیتون (۲۰۱۰) اینگونه در شکل شماره ۷، ارائه می‌دهند:



شکل ۷: طیفی از اشکال تعامل بر منابع آب فرامرزی، منبع: (Cascão & Zeitoun, 2010: 27-42)

کاسائو و زیتون (۲۰۱۰)، در ادامه‌ی پژوهش‌های خود، هژمونی آب را از بررسی سه زمینه آب فرامرزی- اردن، نیل و دجله و فرات گسترش دادند و نشان دادند که شکل‌های آشکار یا «علنی» قدرت- مانند قدرت «مادی» به شکل نیروی نظامی یا جنگ‌افزارهای اقتصادی- آن‌قدر که هیاهوی جنگ‌های آبی نشان می‌دهد رایج نیستند، در واقع شکل‌های پنهان قدرت در زمینه‌های آب فرامرزی بسیار رایج‌تر بودند بنابراین ۴ ستون قدرت را برای تحلیل بکار بردند که در شکل شماره ۸، قابل مشاهده می‌باشد.



شکل ۸: ارکان تجدید نظر^۱ شده هژمونی آبی، منبع: (همان)

- قدرت جغرافیایی:

یکی از تأثیرگذارترین انواع قدرت آشکار، موقعیت ساحلی است. اهمیت موقعیت یک ایالت در یک رودخانه توسط فری و ناف (۱۹۸۵) به عنوان مهم ترین مفهوم قدرت مفهوم سازی شد. این بر مزیت مشخصی است که جغرافیا برای دستکاری جریان ها، یعنی سدسازی یا منحرف کردن آن ها، برای یک وضعیت بالادست فراهم می کند (Cascão & Zeitoun, 2010:27-42). این نوع قدرت مستقیماً در وزن ژئوپلیتیکی کشورها موثر هست و تاحدود زیادی چنانچه بدرستی اعمال گردد جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی کشورها را ارتقا می دهد و چنانچه کشوری قادر به کدگذاری تاکتیکی برای بهره برداری از موقعیت جغرافیایی خود در نظام بین المللی نباشد اثر معکوس بر جایگاه و منزلت بین المللی کشور در نظام جهانی خواهد داشت. وزن ژئوپولیتیک در حقیقت عبارت است از نیروی جمعی عوامل و پدیده های موثر در قدرت ملی یک کشور و عملکرد ماورای مرزی آن. این عوامل و پدیده ها عبارتند از: موقعیت متناسب جغرافیایی و استراتژیک یک کشور، توان ملی برای استفاده بهینه از این موقعیت ها و نیروی ابتکار در اعمال دیپلماسی پیشرفته (Mojtahedzadeh, 2002: 56).

- قدرت مادی:

قدرت سخت به توانایی بکار بردن ظرفیت مادی ملی، مربوط می شود. به عنوان مثال، ظرفیت و توان نظامی، قدرت اقتصادی و قدرت تولیدی در حیطه قدرت سخت قرار می گیرند (Ghoreishi et al., 2019: 242-264). این نوع قدرت قابل مشاهده ترین شکل قدرت شامل قدرت اقتصادی، قدرت نظامی، توان فنی و حمایت سیاسی و مالی بین المللی است. عدم تقارن در قدرت مادی می تواند بر کنترل اعمال شده بر آب تأثیر بگذارد، به ویژه هنگامی که با ابعاد چانه زنی و معنایی قدرت ترکیب شود (Cascão & Zeitoun, 2010:27-42). از منظر زیتون ویژگی قدرت سخت در مناسبات آبهای فرامرزی شامل: موقعیت جغرافیایی کشورهای حوضه آبریز

^۱ در مقاله ای دیگر از زیتون و وارنر (۲۰۰۶) سه ستون برای ارکان هیدرو-هژمونی در نظر گرفته اند که شامل قدرت مادی، قدرت چانه زنی و قدرت معنایی می باشد.

مشترک، وسعت آن کشورها، میزان جمعیت ساکن در حوضه آبریز و قدرت اقتصادی و نظامی است (Ghoreishi et al., 2019: 242-264).

- قدرت چانه‌زنی:

قدرت چانه‌زنی توانایی سلب انتخاب پذیرش یا عدم پذیرش است که به طرف ضعیف‌تر تحمیل می‌شود (همان). این میدان قدرت به توانایی بازیگران برای کنترل قواعد بازی و تعیین دستور کارها، به معنای توانایی آنها در تعریف پارامترهای سیاسی اشاره دارد. همچنین در قدرت بازیگران برای تأثیرگذاری بر شرایط مذاکرات و توافقات، از طریق توانایی آنها در ارائه و/یا تأثیرگذاری بر مشوق‌هایی که ممکن است مشوق باشد، مشهود است (Cascão & Zeitoun, 2010:27-42). به طور کلی، قدرت چانه زنی توانایی کنترل فعالیت‌های سیاسی و ایجاد موانع بر سر مسائل مخالف با منافع طرف مقابل است.

- قدرت معنایی:

یکی دیگر از ابزارهای قدرت معنایی تحریف (غلبه) گفتمانی است. تحریف (غلبه) گفتمانی تعریف یا ادعایی است که طرف قوی‌تر از واقعیت ارائه می‌دهد (Ghoreishi et al., 2019: 242-264). بازیگر قدرتمند می‌تواند به واسطه استفاده از قدرت معنایی، ترجیحات، تمایلات و تفکرات دیگران را متناسب با خواسته خود شکل دهد (Lukes, 2005:41). لذا قدرت معنایی، قدرتی است که به واسطه شکل دادن به ادراک، شناخت و ترجیحات دیگران، مانع از شکایت و نارضایتی در آنها می‌شود (Zeitoun, 2008) در ساختار دانش، قدرت طرف قدرتمند برطرف ضعیف‌تر القا می‌شود تا جایی که طرف ضعیف تصور می‌کند که «عقیده طرف قوی واقعاً حق و قابل پذیرش است»، لذا در ساختار دانش، دانش سایر بازیگران با هدفی خاص، جهت‌دهی می‌شود (Ghoreishi et al., 2019: 242-264).

۴-۴- ارزش و منافع در دیپلماسی آب

یکی دیگر از مفاهیمی که در دیپلماسی آب جهت رسیدن به اهداف مدنظر، مفهوم منافع است. مدیریت رودخانه-های بین‌المللی در نقاط مختلف جهان نمی‌توانند از یک اصل طلایی خاصی پیروی کنند زیرا ارزش آب و تقاضا و عرضه آن از یک حوضه به حوضه دیگر متفاوت است (Swain 2004:84). بر ساخت‌گرایان معتقدند به دلیل اهمیت ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها، رفتار بازیگران تابع آن چیزی که فکر می‌کنند و مناسب تشخیص می‌دهند، است و نه آنچه که صرفاً قدرت و توان انجام آن را دارند. بر ساخت‌گرایان معتقدند که با تأثیرگذاری بر ایدئولوژی، ارزش‌ها، هنجارها و هویت‌ها و در نهایت با تغییر فهم مشترک از واقعیت‌ها، می‌توان بر روند تحلیل و سپس وقوع وقایع اثر گذاشت (Mianabadi & Ghoreishi, 2021: 239-261). هویت یک ویژگی ذهنی در سطح واحد است که ریشه در فهم کنشگران از خود دارد. هویت هر دولت تلویحاً گویای ترجیحات و کنش‌های بعدی آن دولت است. هر دولت براساس هویتی که به دیگران نسبت می‌دهد، آنها را می‌شناسد و منافع خود را تشخیص می‌دهد و هم‌زمان از طریق عمل اجتماعی روزمره‌اش، هویت خودش را باز تولید می‌کند. حال

اگر این هویت، هویتی جمعی باشد، سبب افزایش همکاری دولت‌ها می‌شود. در غیر این صورت، باعث تشدید منازعات خواهد شد (Went, 2005: 76). ساحلی‌ها برای به حداکثر رساندن اهداف خود متناسب با منافع خود نسبت به استفاده‌ی منبع آبی اقدام می‌کنند. در جایی که آب از نظر فیزیکی کمیاب است، می‌توان انتظار داشت که این تعامل رقابتی برای کنترل حجم بیشتری از جریان‌ها باشد. در جایی که آب فراوانی وجود دارد، یک ساحلی ممکن است به دنبال کنترل جریان‌ها برای نیروگاه آبی باشد در حالی که دیگری ممکن است به دنبال کنترل برای اهداف مدیریت سیل باشد (Aggestam & Sundell-Eklund, 2014: 10-22). در این راستا می‌توان منافع افراد و سازمان‌های ساحلی در استفاده از منابع آبی را در قالب یک تقسیم‌بندی سیاسی و اقتصادی مشخص کرد. از نظر سیاسی، منابع آبی ارزش سیاسی خود را دارند و کنترل و بهره‌برداری از این منابع بر روابط هیدروپلیتیکی تاثیر گذار است. در اینجا هدف ممکن است به عنوان یک منافع ژئوپلیتیکی در نظر گرفته شود و یا دولت‌ها از این منابع در اهداف استراتژیک خود استفاده کنند. از نظر اقتصادی نیز، استفاده از منابع آبی به منظور تامین بخش عمده‌ای از نیازهای آبی انجام می‌شود که در صورت عدم تامین این نیازها، خطر بروز ناامنی آبی، غذایی و انرژی وجود دارد.

➤ منافع ژئوپلیتیکی:

ارزش‌های جغرافیایی که برای بازیگران سیاسی مطلوبیت پیدا کرده در رفتار و روابط تعاملی این بازیگران اثر گذاشته و الگوهای رفتاری مختلفی از قبیل همکاری، همگرایی، تعامل، رقابت ستیز، سلطه، منطقه‌گرایی و نظایر آن را می‌آفریند. بنابراین ارزش‌های جغرافیایی فرصت‌های ویژه‌ای هستند که مطلوب بازیگران سیاسی اعم از فردی یا گروهی واقع می‌شوند زیرا اول آن‌ها می‌توانند تولید کننده قدرت باشند. دوم، کاربری آنها می‌تواند به سلب قدرت رقبا منجر شود. سوم، تأمین کننده نیازهای حیاتی و منافع جمعی و فردی می‌باشند. بنابراین ارزش‌ها و عوامل جغرافیایی به طور کلی شامل: مکان و فضای جغرافیایی، الگوهای فضایی و انسان‌ها قرار دارند که مطلوبیت سیاسی پیدا می‌کنند و توجه بازیگران را به خود جلب می‌کنند. به عبارتی آنها بار سیاسی به خود می‌گیرند و بدین ترتیب ماهیت ژئوپولیتیک می‌یابند (Hafeznia, 2017: 151).

➤ منافع ژئواستراتژیک:

ژئواستراتژی به معنای استفاده از موقعیت جغرافیایی برای دستیابی به منافع سیاسی است (Mojtahedzadeh, 2002: 98). این مفهوم در تحلیل‌های سیاسی به ویژه در زمینه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کاربرد دارد. سیاسی شدن در نهایت اهداف بازیگران است.

➤ منافع ژئواکونومیک:

ژئواکونومی به دنبال تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای اقتصادی است و می‌خواهد با بازو و توان دولت‌ها میان ملت‌ها و صاحبان منافع ارتباط معلوم و منطقی فراهم آورد و بدین سان در سراسر جهان قلمروهای ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بر هم منطبق شده‌اند. دیپلماسی امروز از حالت امنیتی و سیاسی صرف به یک

دیپلماسی اقتصادی - سیاسی تبدیل شده است و همه‌ی کشورها امروزه به دنبال یافتن فضاهایی برای ارتقای جایگاه اقتصادی خود هستند و عمدتاً سیاست خارجی بر مبنای بهره‌برداری از دستاوردهای ساختار جدید اقتصاد جهانی، بنا گذاشته شده است (Bayne, 2011:31).

۴-۵- اهداف دیپلماسی آب

• حل اختلافات:

یکی از اصلی‌ترین هدف‌های دیپلماسی آب، حل اختلافات مرتبط با منابع آب بین کشورها است. این اختلافات می‌توانند شامل تقسیم منابع آب مشترک، سهم‌بندی مقدار آب، ساخت سد و تأثیر آن بر جریان آب در کشورهای پایین‌دست و مسائل محیط‌زیستی مرتبط با آب باشند. دیپلماسی آب با بهره‌گیری از مذاکرات، توافق‌نامه‌ها، تعهدات مشترک و ایجاد مکانیسم‌های همکاری، سعی در رسیدن به توافقات و حل و فصل این اختلافات دارد.

• همکاری و تعاون:

دیپلماسی آب تلاش می‌کند تا روابط همکاری و تعاون بین کشورها را در زمینه مدیریت منابع آب تقویت کند. این شامل تبادل اطلاعات و دانش فنی، تجربه‌ها، فناوری‌های نوین و نیز همکاری در پروژه‌های مشترک برای بهینه‌سازی استفاده از منابع آب و حفاظت از محیط زیست آب است.

• ایجاد توافقات بین‌المللی:

در بعضی موارد، دیپلماسی آب به رسیدن به توافقات و قراردادهای بین‌المللی میان کشورها در زمینه مدیریت و تقسیم آب می‌پردازد. این توافقات می‌توانند شامل قراردادهای تقسیم آب حاصل از رودخانه‌ها، توافقات برای حفاظت از آبخوان‌های مشترک یا تعهدات به منظور کاهش تأثیر تغییرات اقلیمی بر منابع آب باشند.

• مدیریت بحران‌های آب:

دیپلماسی آب در مواجهه با بحران‌های آب، از جمله کمبود آب، خشکسالی و تغییرات اقلیمی، نقش مهمی دارد. در این حالت‌ها، دیپلماسی آب برای هماهنگی و همکاری بین کشورها در امور بحران‌های آب، تسهیل کمک‌های بین‌المللی، تبادل دانش فنی و همکاری در اجرای طرح‌های اضطراری و مدیریت منابع آب در شرایط بحرانی انجام می‌شود. در کل، دیپلماسی آب به منظور تعاملات و روابط بین‌المللی مرتبط با منابع آب، حل اختلافات، تسهیل همکاری و تعاون، ایجاد توافقات و مدیریت بحران‌های آب به کار می‌رود. این رویکرد هدفش حفظ منافع مشترک و تعادل در استفاده از منابع آب برای تأمین نیازهای جامعه‌ها و حفظ محیط‌زیست است.

۵- تجزیه و تحلیل

دیپلماسی آب و مؤلفه‌های کلیدی آن به دقت مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است. با این حال، برای درک عمیق‌تر ابعاد دیپلماسی آب در فرآیند مناسبات آبی میان کشورهای سواحل رودخانه‌های فرامرزی، ضروری است که گام به گام مسیر دیپلماسی آب شناسایی و مورد بررسی قرار گیرد. این مسیر باید قابلیت این را داشته باشد که وضعیت کنونی را به سمت اهداف موردنظر، که به عنوان موقعیت مطلوب تعریف می‌شوند، هدایت کند. به منظور تسهیل این فرآیند، مفهوم "نقشه راه" به عنوان ابزاری کلیدی برای طراحی و تدوین مسیر دیپلماسی

آب از وضع موجود به وضعیت مطلوب استفاده می‌شود. نقشه راه دیپلماسی آب نه تنها به شناسایی مؤلفه‌های کانونی دیپلماسی آب می‌پردازد، بلکه همچنین چارچوبی جامع برای تجزیه و تحلیل چالش‌ها و فرصت‌های موجود در این حوزه ارائه می‌دهد.

ریشه‌ی کاربرد مفهوم نقشه‌راه به‌عنوان ابزار برنامه‌ریزی استراتژیک به اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ هنگامی که اولین نقشه‌راه فناوری توسط موتورولا منتشر شد برمی‌گردد. بیتون^۱ به بررسی نقشه‌راه منتشر شده‌ای پرداخته و به وجود یک دنباله بسیار طولانی در منحنی انتشار پیش از ۱۹۹۰ که نشان‌دهنده مفهوم نقشه‌راه از چند دهه پیش از توسعه‌های انجام شده توسط موتورولاست اشاره نموده است. یافته‌های این محقق حاکی از افزایش نمایی استفاده از روش تدوین نقشه‌راه از اوایل دهه ۱۹۹۰ است (Beeton, 2007:23). نقشه‌راه، توصیفی از محیط آینده و اهدافی است که باید به آن‌ها دست یافت و نقشه‌ای است که برای ما توضیح می‌دهد چگونه می‌توان به این اهداف در طی زمانی خاص دست یافت. نقشه‌راه را می‌توان به سادگی به عنوان فرآیند ایجاد نقشه راه توصیف کرد. بر اساس دسته‌بندی فال و همکاران (۲۰۰۹) نقشه‌راه‌ها را می‌توان بر اساس هدف، قالب و شکل گرافیکی تقسیم‌بندی نمود که با انواع اهداف برنامه‌ریزی محصول، برنامه‌ریزی ظرفیت/قابلیت، برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه بلندمدت (آینده‌نگاری)، برنامه‌ریزی دارایی دانش، برنامه‌ریزی طرح‌ها، برنامه‌ریزی فرآیند، برنامه‌ریزی یکپارچه قابل تدوین هستند. همچنین نقشه‌راه‌ها را می‌توان بر مبنای قالب با فرمت لایه‌های چندگانه، میله‌های افقی، جدول، گراف، تصویر، نمودار جریان، تک لایه و با فرمت متن تدوین نمود. نقشه راه به دنبال کمک به سازمان‌ها در پاسخ به سه سوال است (Phaal & Muller, 2009: 39-49):

- کجا داریم می‌رویم؟
- الان کجا هستیم؟
- چگونه می‌توانیم به آنجا برسیم؟

نقشه‌راه دیپلماسی آب به عنوان یک مفهوم در مدیریت منابع آب فرامرزی، تعریف عملیاتی دقیقی از دیپلماسی آب (شکل شماره ۹)، را ارائه می‌دهد. این نقشه‌راه بر اساس شناخت و تبیین مؤلفه‌های اساسی دیپلماسی آب طراحی شده است و به مجموعه‌ای از اقدامات و استراتژی‌های عملی اشاره دارد که می‌تواند به عنوان راهی موثر برای بهبود وضعیت منابع آب فرامرزی در مناطق مختلف به کار گرفته شود. این نقشه‌راه دیپلماسی آب با تحلیل دقیق شرایط فعلی حوضه‌ی آبریز فرامرزی، شناسایی چالش‌ها و مشکلات موجود در زمینه‌ی مدیریت آب و همچنین تشخیص فرصت‌هایی که می‌تواند به بهبود وضعیت حوضه‌ی آبریز کمک کند، شروع می‌گردد. محدودیت دسترسی به آب با کمیت و کیفیت مناسب در اثر توزیع نامتوازن زمانی و مکانی و غیرقطعی آن از یک سو و پیچیدگی‌های ناشی از درهم‌تنیدگی طبیعت و انسان در سیستم‌های آبی از سوی دیگر، فراهم‌کننده شرایط برای تبدیل شدن آب به موضوع، علل، عوامل، بهانه‌ها یا دستاویزهای مناقشات مختلف است

¹ . Beeton

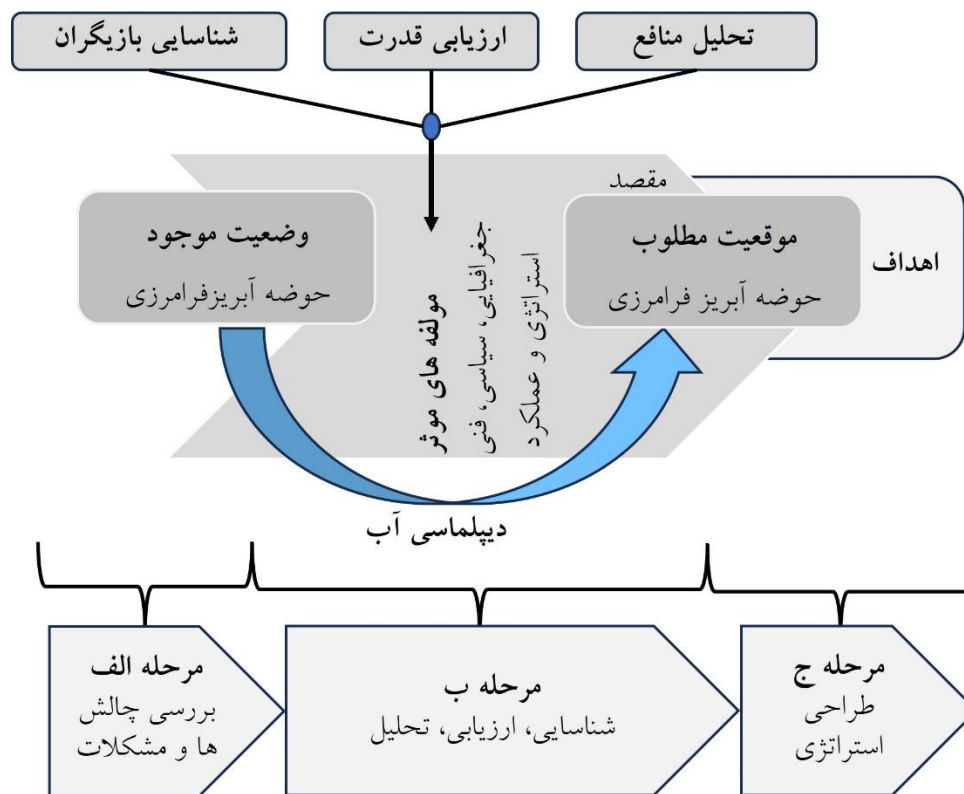
(Farajzadeh Arnesa, 2021: 205-224). به همین جهت مهم‌ترین گام در دیپلماسی آب شناسی مشکلات درهم‌تنیده می‌باشد. برای این دسته از مشکلات، احتمالاً توافق بسیار کمی در مورد اینکه تعریف یا علت مشکل چیست، وجود دارد، چه رسد به بهترین راه برای حل آن. علاوه بر این، مشکلات درهم‌تنیده به دلیل پویایی‌های طبیعی، اجتماعی و سیاسی دائماً در جریان هستند (Pahl-Wostl et al., 2007: 354-365). در گام بعدی؛ طراحی استراتژی‌های کارآمد در دیپلماسی آب مستلزم شناخت عمیق از اجزای اصلی آن، شامل بازیگران، منافع و قدرت است. تحلیل دقیق این سه مولفه، مسیر دیپلماسی آب را به سوی اهداف مورد نظر هموار می‌سازد.

➤ شناسایی بازیگران: شناسایی تمامی بازیگران دولتی و غیردولتی در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی؛ تعیین جایگاه و نقش هر بازیگر (به عنوان مثال، هژمون، فرادست، فرودست، ذی‌نفع، ذی‌صلاح) و تشخیص روابط متقابل و شبکه‌های ارتباطی بین بازیگران.

➤ تحلیل منافع: شناسایی منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت هر بازیگر در حوضه آب، تفکیک منافع مشترک و منافع متضاد بین بازیگران، تحلیل پویایی منافع در طول زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف و در نهایت نوع منافع (ژئواکونومیک، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی).

➤ ارزیابی قدرت: شناسایی منابع قدرت هر بازیگر (قدرت جغرافیایی، مادی، چانه‌زنی و معنایی)، ارزیابی توانایی هر بازیگر در اعمال نفوذ بر سایر بازیگران و پیشبرد منافع خود و در نهایت تحلیل چگونگی تغییر و تحول قدرت در طول زمان و تحت تأثیر عوامل مختلف.

گام بعدی در فرآیند دیپلماسی آب، شفاف‌سازی وضعیت مطلوب در حوضه‌های آبی مشترک است. این مرحله به معنای تعریف دقیق و واضح از اهداف و انتظاراتی است که بازیگران مختلف در زمینه مدیریت منابع آب دارند. ارزیابی دقیق مولفه‌های دیپلماسی آب، شامل بازیگران، منافع و قدرت، این امکان را می‌دهد که اثربخشی اقدامات انجام شده در گذشته مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی تاریخی می‌تواند شامل تحلیل موفقیت‌ها و ناکامی‌ها، شناسایی الگوهای رفتاری و درک چگونگی تعاملات میان بازیگران باشد. با این ارزیابی، می‌توان نقاط قوت و ضعف استراتژی‌های قبلی را شناسایی کرده و زمینه‌ساز طراحی استراتژی‌های کارآمدتر در آینده شد. شفاف‌سازی وضعیت مطلوب به ما این امکان را می‌دهد که فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌رو را به وضوح شناسایی کنیم. با درک این فرصت‌ها و چالش‌ها، می‌توان اقدامات و استراتژی‌هایی مبتنی بر منافع بازیگران ارائه داد که به تنظیم روابط میان کشورها و نهادهای مختلف کمک کند. در نهایت، شفاف‌سازی وضعیت مطلوب و ارزیابی دقیق مولفه‌های دیپلماسی آب، به ایجاد یک بستر مناسب برای همکاری‌های بین‌المللی و مدیریت پایدار منابع آب مشترک منجر خواهد شد.



شکل ۹: نقشه راه دیپلماسی آب، منبع: یافته های تحقیق

۶- نتیجه گیری

دیپلماسی آب به عنوان یک مفهوم نوین در عرصه روابط بین الملل و مدیریت منابع آبی، نیازمند بررسی و مطالعه عمیق تری است. این مفهوم فراتر از صرفاً همکاری های بین المللی در زمینه استفاده از منابع آبی مشترک، به ابعاد پیچیده تری از تعاملات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد. استفاده ابزاری از دیپلماسی آب، بدون توجه به ابعاد مفهومی آن، نمی تواند به عنوان یک راه حل جامع برای چالش های مدیریت منابع آبی مشترک در پژوهش ها مؤثر باشد. در واقع، دیپلماسی آب باید شامل درک عمیق از مفاهیم، روابط و منافع بازیگران مرتبط با منابع آبی باشد تا بتواند به بهبود همکاری ها و حل مسائل موجود کمک کند. به همین جهت در این پژوهش، با تمرکز بر مفاهیم دیپلماسی آب، به ویژه نظریات زیتون و وارنر (۲۰۰۶)، اسلام و ساسیکند (۲۰۱۲)، کسین و سالمین و هاپلا (۲۰۲۱)، تلاش شده است تا مفهوم دیپلماسی آب به طور جامع تری بسط گردد. این بسط شامل واکاوی ابعاد سیاسی، جغرافیایی و مدیریتی-فنی دیپلماسی آب است. در این راستا، مولفه های قانونی مانند بازیگران، منافع، قدرت و اهداف مورد تحلیل قرار گرفت. این مولفه ها به عنوان ارکان اصلی دیپلماسی آب، نقش حیاتی در شکل گیری و اجرای سیاست های مرتبط با مدیریت منابع آبی ایفا می کنند. در نهایت، نقشه راه دیپلماسی آب که بر اساس شناخت و ارزیابی این مولفه های قانونی طراحی شده است، ارائه گردید. هدف از این نقشه راه، طراحی اقدامات عملی و مؤثر برای مواجهه با چالش های هر حوضه آبریز رودخانه ای مشترک است. این اقدامات باید به گونه ای باشند که در نهایت به وضعیت مطلوبی در چارچوب همکاری و تعاون بین کشورها منجر شوند.

به عبارت دیگر، دیپلماسی آب باید به عنوان یک ابزار مؤثر در جهت تقویت روابط بین‌المللی و مدیریت پایدار منابع آبی مشترک مورد استفاده قرار گیرد و به حل و فصل منازعات و چالش‌های موجود در این زمینه کمک کند. به عبارت دیگر نقشه‌راه دیپلماسی آب، انتقال شرایط موجود به وضعیت مطلوب است که با بهره‌گیری از دیپلماسی می‌تواند به تنظیم روابط میان کشورها و نهادهای مختلف کمک کند و به طراحی راهکارها و چارچوب‌های راهبردی بپردازد که از طریق آن به ایجاد همکاری‌ها، توافقات و گفت‌وگوهای مؤثر میان کشورها، به سمت همکاری و پایداری در زمینه‌ی آب منجر خواهند شد. به علاوه، نقشه‌راه دیپلماسی آب می‌تواند ابزارهای قانونی، اقتصادی و اجتماعی را نیز در برگیرد تا از طریق یک رویکرد چندجانبه، به حفظ و بهبود کیفیت و کمیت منابع آب پرداخته و راه‌حل‌های ریشه‌ای برای مسائل مرتبط با آب ارائه دهد.

- Aggestam, K. Sundell-Eklund, A. (2014). Situating water in peacebuilding: revisiting the Middle East peace process. *Water International*, Vol. 39, P 10-22
- Askary, F. (2015). Water Governance: A Review of Concepts, Challenges, Tools and Institutional Measures. *Journal of Water Management in Agriculture*, 3 (1), P. 25-34 (in Persian)
- Bagherzadeh, S. (2018). Adaptation to Climate Change in Transboundary River Basins. Case study: Hirmand River. Master's thesis. Iran University of Science and Technology, Faculty of Civil Engineering, Department of Civil Engineering, Water specialization (in Persian)
- Baripour, M., Sadeghian, M.S., Ansarian, M., Hajikandi, H. (1400). Water Dipolicy Methodology in Transboundary Rivers. *Quarterly Journal of The Macro and Strategic Policies*, 10(2), P. 408-442 (in Persian)
- Barua, A. (2018). Water diplomacy as an approach to regional cooperation in South Asia: A case from the Brahmaputra basin. *Journal of Hydrology*, volume 567, P 60-70
- Bayne, N. (2011). the new economic diplomacy. UK: the London school of economics and political science.
- Beeton, D. A. (2007). Exploratory roadmapping for sector foresight. Doctoral dissertation, University of Cambridge.
- Cascão AE and Zeitoun M (2010) Power, hegemony and critical hydropolitics. In: Earle A, Jägerskog A and Öjendal J (eds) *Transboundary Water Management: Principles and Practice*. Earthscan, P 27-42
- Cooper, F. & Hocking, B. (2000). Governments, Non-governmental Organisations and the Recalibration of Diplomacy, *Global Society*, 14(3), P 361-376
- Farajzadeh Arnesa, M., Mianabadi, H0., Bagheri, A. (2021). Rethinking the Concepts and Approaches of Deal With Water Conflicts. *Iran Water Resources Research*, 16(4), P. 224-205 (in Persian)
- Farzaneh, M.R., Bagheri, A., Ramezanighawamabadi, M.H. (2017). Institutional Foundations of the Crisis in The Management of Underground Water Resources In Iran. *Economic Research Quarterly*, 17(64), P. 57-94 (in Persian)
- Ghavam, S.A.A. (2008). Principles of Foreign Policy and International Politics. Tehran: SAMT (in Persian)
- Ghoreishi, S.Z., Mianabadi, H., Mousavi Shefai, M. (2019). The Role of Power in Water Diplomacy. *Iran Water Resources Research*, 11 (2), P. 264-242. (in Persian)
- Grech-Madin, C. Döring, S. Kim, K. Swain, A. (2018). Negotiating water across levels: A peace and conflict “Toolbox” for water diplomacy. *Journal of Hydrology*, (559), P 100–109
- Hafeznia, M.R. (2017). Principles and Concepts of Geopolitics, Papoli Publications, 4th edition, Mashhad (in Persian)
- Hefny, M. (2011). Water Diplomacy: A Tool for Enhancing Water Peace and Sustainability in the Arab Region. Presented in preparation for the Second Arab Water Forum Theme 3: Sustainable and Fair Solutions for the Transboundary Rivers and Groundwater Aquifers. Available at: <http://www.Unesco.org/new/file.admin/MULTIMEDIA/FIELD/Cairo/Water%20Diplomacy>
- Huntjens, P. Lebel, L. Furze, B. (2015). The Effectiveness of Multi-stakeholder Dialogues on Water Reflections on experiences in the Rhine, Mekong, and GangaBrahmaputhra-Meghna river basins, *International Journal of Water Governance* 5:3, P 39–60
- Huntjens, P. Yasuda, Y. Swain, A. De Man, R. Magsig, B. & Islam, S. (2016). The Multi-track Water Diplomacy Framework: A Legal and Political Economy Analysis for Advancing Cooperation over Shared Waters (The Hague Institute for Global Justice)
- Islam, S. Madani, K. (2017). Water Diplomacy in Action: Contingent Approaches to Managing Complex Water Problems. (Anthem Press)
- Islam, S. Repella, C. Amanda. (2015). Water Diplomacy: A Negotiated Approach to Manage Complex Water Problems. *Journal of Contemporary Water Research & Education Issue* 155, P 1-10
- Islam, S. Susskind, L. (2012). Water diplomacy: A negotiated approach to managing complex water networks. Routledge, New York
- Islam, S. Susskind, L. (2018). Using complexity science and negotiation theory to resolve boundary-crossing water issues. *Journal of Hydrology* 562 (2018) 589–598
- Karaev, Z. (2005). WATER DIPLOMACY IN CENTRAL ASIA, *Middle East Review of International Affairs*, Vol. 9, No. 1, P 69-62

- Kaviani Rad, M. (2018). *Hydropolitics of Strains and Approaches*. Tehran: Strategic Studies Research Institute (in Persian)
- Keskinen, M. Salminen, E. Haapala, J. (2021). Water diplomacy paths – An approach to recognise water diplomacy actions in shared waters. *Journal of Hydrology*, 602, P 654-667
- Klimes, M. Michel, D. Yaari, E. Restiani, P. (2019) Water diplomacy: The intersect of science, policy and practice. *Journal of Hydrology*, Vol. 575, p 1362- 1370
- Loodin, N. Warner, J. (2022). A Review of Hydro-Hegemonic Dynamics on the Transboundary Harirud River Basin: 2001–Present, *Water* 2022, 14, 3442, <https://doi.org/10.3390/w14213442>
- Lukes, S. (2005). *Power: A radical view*. Palgrave Macmillan, 201p
- Mianabadi, H., Ghoreishi, S.Z. (2021). Redefining Water Security Components. *Iran Water Resources Research*, 17(1), P. 261-239 (in Persian)
- Mirnezami, S.J. Bagheri, A. (2017). Assessing the Water Governance System for Groundwater Conservation in Iran. *Iran Water Resources Research*, 13(2), P. 32-55 (in Persian)
- Mirumachi, N. (2010). Study of conflict and cooperation in international transboundary river basins: The TWINS framework. Ph.D. Thesis, King's College London, University of London, United Kingdom
- Mojtahedzadeh, P. (2002). *Political Geography and Geographic Politics*, Tehran: SAMT (in Persian)
- Mokhtari Hashi, H. (2013) "Hydropolitics of Iran; The Geography of the Water Crisis on the Horizon of 2025", *Geopolitics Quarterly*, 9(31), P. 49-83 (in Persian)
- Molnar, K., Cuppari, R., Schmeier, S., Demuth, S. (2017). Preventing Conflicts, Fostering Cooperation –The many Roles of Water Diplomacy. http://www.waterandchange.org/wp-content/uploads/2018/02/PUB_Water-Diplomacy_Bericht.pdf
- Naff, T. Matson, R.C. (1984). *Water in the Middle East: Conflict or Cooperation?* Westview Press, 1984. Available online: <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9780429267284/water-middle-east-thomas-naff>
- Najafi, A. Vatanfada, J. (2013). Transboundary Water Management Improvements, the Way Forward in the Middle East; Case Study: Transboundary Water Management of Iran and Neighbors. *Geopolitics Quarterly*, 8(4), P 135-155 (in Persian)
- Nouri Esfandiari, A. (2015). *Low-Water Development, a Aeflection on the Reconstruction of the Country's Development Path*. Published by: Secretariat of Iran Water Management Institute (in Persian)
- Pahl-Wostl, C. (2009). A conceptual framework for analysing adaptive capacity and multi-level learning processes in resource governance regimes. *Global Environmental Change*, 19, P 354–365
- Papoli Yazdi, M.H., Vosuoghi, F. (2011). *Iran's Water Diplomacy*. Publications: Popoli, first edition, Mashhad (in Persian)
- Phaal, R. Muller, G. (2009). An architectural framework for roadmapping: Towards visual strategy. *Technological Forecasting and Social Change*, 76(1), P 39-49
- Pohl, B. carius, A. (2014). *The Rise of Hydro-Diplomacy. Strengthening foreign policy for transboundary waters*, Publisher: Adelphi;
- Rebecca, L. Farnum. (2018). Drops of diplomacy: Questioning the scale of hydro diplomacy through fog-harvesting. *Journal of Hydrology*, Vol. 562, P:446-454
- Rees, C.V. Reed, J.M. (2015). *Journal of Contemporary Water Research & Education* Issue 155, P 28-42
- Salmorala, G. Nynke, C.E. Schaapb, J.W. Areen Alhajajd. (2019). Water diplomacy and nexus - governance in a transboundary context: In the search for complementarities. *Science of The Total Environment*, Vol. 690, p 85-96
- Samei, S. (2018). *The Model of Iran's Cooperation with Its Neighbors Based on Water Diplomacy (case study: Türkiye and Iraq)*. PhD Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Humanities, Political Geography (in Persian)
- Samei, S., Akhbari, M., Heydari, G.H. (2020). The Model of Regional Cooperation Based on Water Diplomacy (case study of Iran, Türkiye and Iraq). *New attitudes in human geography*, 12(3), P. 171-185 (in Persian)
- Schmeier, S. (2014). The institutional design of river basin organizations – empirical findings from around the world. *International Journal of River Basin Management*, Vol. 13, P 52-71

- Schmeier, S. Shubber, Z. (2018). Anchoring water diplomacy – The legal nature of international river basin organizations. *Journal of Hydrology*. (567), P 114–120
- Schmeier, S. Zaki, Sh. (2018) Anchoring water diplomacy–The legal nature of international river basin organizations, *Journal of Hydrology* 567, P 114–120
- Sehring, J. Horst, R.ter. Said, A. (2023). Water diplomacy: A man's world? Insights from the Nile, Rhine and Chu-Talas basins. *Journal of Hydrology X*, Vol. 20, P 100-150
- Smith, S. Hadfield, E. Dunne, T. (2011). *Foreign Policy: Theories, Actors and Case Studies*. Translated: Hajyusefi, A.M., Mahmoudi, M., Karimi, A. Tehran: SAMT (in Persian)
- Swain, A. (2004). *Managing Water Conflict; Asia, Africa and the Middle East*. London: Routledge
- The European Council in 2018, EPRS | European Parliamentary Research Service, PE 631.761 – November 2019.
- TROMBETTA, M. (2008). Environmental security and climate change: analysing the discourse. *Cambridge Review of International Affairs*, 21 (4), P 585-602
- United Nations, 1997. *Convention on the Non-navigational Uses of International Watercourses*. United Nations Economic Commission for Europe, 1992. *Convention on the Protection and Use of Transboundary Watercourses and International Lakes*
- United Nations, New York, 2013. United Nations, Department of Economic and Social Affairs, Population Division (2013). *World Population Ageing 2013*. ST/ESA/SER.A/348
- Vij, S. Warner, J. Baruah, A. (2020). Power in water diplomacy, *WATER INTERNATIONAL*, VOL. 45, NO. 4, 249–253
- Warner, J. Mirumachi, N. Farnum, R.L. Grandi, M. Menga, F. Zeitoun, M. (2017). Transboundary 'hydro-hegemony': 10 years later. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Water*, 4 (6), e1242. ISSN 2049-1948
- Warner, J. Zeitoun, M. (2008). International relations theory and water do mix: A response to Furlong's troubled waters, hydro-hegemony and international water relations, *Political Geography* 27, P 802:810
- Went, A. (2005). *Social Theory of International Politics*. Translation: Moshirzadeh, H. Tehran, Ministry of Foreign Affairs Printing and Publishing Center, First edition (in Persian)
- Yildiz, D. (2014). A new International Hydro diplomacy; from water cooperation to comprehensive collaboration, resented in "Global and Regional Hydropolitical Problems in the Context of International Cooperation and Security." Conference held in Baku/Azerbaijan -25 November 2014
- Zarif, M.J., Sajjadpour, S.M.K. (2011). *Multilateral Diplomacy: Conceptual and Functional Dynamics of Regional and International Organizations*. Tehran: Publications of the Ministry of Foreign Affairs (in Persian)
- Zarghani, S.H., Akbari, M., Chareie, N., Mahmoudi, N. (2019). Analysis of Turkmenistan's Hydropolitical Challenges to its Neighbors. *Research of political geography Quarterly*, 4(2), series 14, P. 1-32 (in Persian)
- Zeitoun, M. (2008). *Power and water in the middle East: The Hidden Politics of the Palestinian-Israeli Water Conflict*. London and New York: I.B. Tauris and Co. ISBN: 987 1 84511 464 0, P 214
- Zeitoun, M. Warner, J. (2006). Hydro-hegemony- A framework for analysis of trans-boundary water conflicts. *Water Policy*, 8(5), P 435-460